



دکتر حسن بیگ

مدرس، گروہ مطالعات بین المذاہب، دانشکده علوم عربی و اسلامی، دانشگاه آزاد علامه اقبال، اسلام آباد

حافظہ حفصہ مجید

معلمہ، علوم اسلامیہ، اوپی ایف، مدرسہ ودانشکده دختران، راولپنڈی

## جنبش های انقلابی صوفیه هند و شیخ سرہندی و اصلاحات اجتماعی و ہماہنگی بین المذاہب: مطالعہ مورد مکتوبات امام ربانی

**Dr. Hassan Baig\***

Lecturer, Department of Interfaith Studies, Faculty of Arabic & Islamic Studies, Allama Iqbal Open University, Islamabad.

**Hafiza Hafsa Majeed**

Lecturer, Islamic Studies, OPF, Girls School and College, Rawalpindi.

\*Corresponding Author: [hassan.baig@aiou.edu.pk](mailto:hassan.baig@aiou.edu.pk)

### **Revolutionary Activities of Indian Sufis and Sheikh Sirhindi regarding Social Reforms and Interfaith Harmony: Analytical Study of Imam Rabbani's Letters**

Today, many Muslim societies suffer from such insecurity, fear, terror, anarchy, bloodshed, and murder. One of the main reasons for this is that nature has not provided the right opportunities and environment for human beings to satisfy these tender human emotions. Although we are floating with the changing trends of the world like a reed floating in a raging storm of a river without any destination. While on the other hand, Sufis and Sufism have an important and wonderful role for inducing those tender feelings in human beings that creates such a structure that the people of the society are inspired to promote Interfaith harmony between religions

and reform the society are assigned In fact, Shaykh Mujaddid al-Thani, and his family, with his reformist teachings, not only reformed the useless system that had been created in the society, but also changed the illegal and false thinking that was prevalent in Sufism. It has revived the doctrine and spirit of Sufism and the authenticity of beliefs in Islam, which has inspired deep reform aspects to promote Interfaith dialogue, peace, and harmony between religions in the society and to address the demand for the progressive rights of humanity in Sufism.

**Key Words:** *Bloodshed, Human Emotions Sufis, Peace, Interfaith Dialogue, Humanity.*

خداوند متعال انسان را از مجموع دو عنصر مختلف یعنی روح و جسم آفریده است و دو نوع ضرورت را در سرشت آن به صورت فطری به ودیعت گذاشته است یکی ازین ضرورت ها برای حفظ و سلامتی جسم است و یکی برای تحفظ روح و در دنیای نظام قدرت تکمیل آن چه خواست این ضرورت هاست مهیا گردیده است.

بطور مثال ضرورت جسم به خوراک، پوشاک، منزل و سایر ما- یحتاج حیاتی است و ضرورت روح به غذای است که تفاضای عبودیت است پس هرگاه برای جسم غذای لازم نرسد در نتیجه کمبود غذای طرف ضرورت به ضعف میگراید و همچنان اگر برای روح غذای آن طور پوره نرسد روح آرامش خود را از دست میدهد- طوریکه انسان برای تهیه غذای جسم مکلف به تلاش پی گیر است تا آنچه تقدیر به آن حکم کرده است- به دست بیآده- پس برای حصول غذای روح هم ناگزیر است که مطالبه توفیق و هدایت کرده و طبق نیاز مندی بندگی در دریافت غذای روح تلاش به خرچ دهد- برای دریافت این ضرورت های حیاتی و حفظ رابطه خالق عطا کننده با مخلوق نیاز منده، الله (ج) انبیاکرام را غرض هدایت بشر اعزام فرموده تا به غرض دریافت راه حصول و نجات از مشکلات برای جهان بشریت مصدر خدمت گردند- منجمله انبیاکرام و حضرت محمد مصطفی ﷺ - Selcuk می نویسد

The religion of Islam in a general sense approaches the human being both at an individual level as well as from a societal perspective...Tasawwuf is also a need for all ages because

Tasawwuf is an important element from among other elements of Islam...<sup>1</sup>

یعنی دین اسلام به معنای عام به انسان هم در سطح فردی و هم از منظر اجتماعی نزدیک می شود. کسانی که قبول دارند اسلام دین همه اعصار است، او نیز می پذیرد که تاسوعا نیز نیاز همه اعصار است، زیرا تاسوعا عنصر مهمی از دیگر عناصر اسلام است. تلاوت آیات الله تعالی، تعلیم دستورات موجود در کتاب خدا، حکمت و طهارت باطن، دلیل آمدن پیامبر اکرم (ص) به دنیاست. همان گونه که اسلام بدون فراگیری قرآن ناقص است، اسلام نیز بدون تهذیب باطن ناقص است و اساس تاسوعا، تزکیه نفس است که برای جلب اراده الله تعالی به کار می رود. قرب الهی و برای ساختن جامعه دنیوی و ثروت دین.

حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی قدس سره العزیز (م- ۱۰۳۳ هـ / ۱۶۲۲ء) از مفاخر بزرگ قرن شانزدهم میلادی است که نه تنها پنجاب، بلکه چهره تصوف را در سراسر هندوفاغانستان و دیگر بلاد اسلامی اصلاح کرد و نکات آن را تصحیح کرد و با حقیقت مفهوم آشنا ساخت. ایشان می نویسند:

در گذر زمان، علم و دانش و موقعیت ها و مکان ها و حوادث  
مانند ابری بر من وارد شد و آنچه را انجام می دادم به لطف خدا  
انجام دادم. دیگر آرزوی نیست، جز این که یک سنت از سنت  
مصطفی احیا و صادر شود.<sup>۲</sup>

تصوف عبارت از اهتمام پاکی و اصلاح نفس انسان است که تا آنرا ضمن ریاضت و مجاهدت به خصوصیت های اصلاحی و اخلاقی عادت بخشیده و از ارتکاب عوامل مخفی حیاتی منزجر و دور سازد. و این مراحل اصلاحی و تزکیوی را برای ارتقاء نفس از یک مرحله به مرحله دیگر ارباب تصوف برای سالکین طوری ترتیب داده اند که برای نفس وصف معین قایل شده اند و در هر مرحله آن خصوصیت نفسی را موافق به ارشادات قرآن کریم دانسته چنانچه تقسیم بندی مرحلوی نفس را در کتب معتبر تصوف متذکر گردیده اند که منجمله مصطلحات الصوفیه آمده است که نفس پنج نوع است. در کتاب معجم حیوانی، اماره لوامه ملهمه مطمئنه و شیخ محمد امین کردی در کتاب خود بنام " تنویر القلوب تعداد نفسها را به هفت قسم یاد کرده که عبارت است از، اماره، لوامه، ملهمه مطمئنه،

راضیه، مرضیه هر حال به ذکر هر کدام ذیلاً در روشنی ارشادات قرآنی  
میپردازیم<sup>۳</sup> -

قرآنکریم از یک طرف بر ما اساس فکری و نظری اسلام و معیار های آنرا  
آشکار میکند. از طرف دیگر سنت نبوی (ص) که از روی ارشاد رسالت مآب خیر  
القرون نامیده شده تشکیل معیاری دین متین را احتواء میکند. در حالیکه دور ما  
بعد نبوت که در آن تدوین علوم شریعت صورت گرفته و اصول طی نمودن منازل  
معرفت و وصل الهی یعنی منتهی کمال شریعت وضح شده تفصیلات نظام عملی  
دین را اکنون می دانیم که بدون تاسوعا مسلمان نمی تواند مسلمان کامل شود و تا  
زمانی که مسلمان کامل نشود نمی توان انسان کامل شد زیرا تعالیم و اعمال  
تاسوعای همان اسلام است. بیماری طمع، غرور و غرور از بین می رود. زمانی که  
این بیماری ها وجود نداشته باشد، ما جمعی به نفع خود کار خواهیم کرد و آرامش  
همه ملت و کشور، وحدت و نظم و انضباط در ما ایجاد می شود و با این ویژگی ها  
می توانیم نقش مهمی در ایجاد حکومت خوب داشته باشیم و در آن رونق  
بیشتری داشته باشیم. جامعه، تاسوعا نشان دهنده اوج ایمان است. این معیار  
عالی وضعیت معنوی فرد است. همچنین دانستن معنی و تعریف تاسوعا بسیار  
واجب است<sup>۴</sup>. شیخ الاسلام زکریای انصاری درباره تعریف تاسوعا می گوید:  
تاسوعا به انسان می آموزد که تهذیب نفس، اصلاح اخلاق و ساختن زندگی درونی  
و بیرونی برای رسیدن به سعادت جاودان باشد، موضوعی است که تهذیب  
السعول است. هدف آن دستیابی به سعادت و برکت ابدی است<sup>۵</sup> شریعت در  
اصل مبنی بر قرآن و سنت آن نظام اوامر و نواهی است که عمل زندگی انفرادی و  
اجتماعی را منضبط مینماید. پس زمانیکه این عمل را به کمال حسن نیت، حسن  
اخلاق آراسته بسازیم نام سعی و تدبیر، فایز شدن در اتباع شریعت را به درجه  
احسان میتوان تصوّف نامید.

نقش صوفیان مجددی در شکل گیری جامعه صلح آمیز در افغانستان  
مثبت شد. زیرا صوفیه به انسان می آموزد که برای تهذیب دل و عمل به خود  
دست یابد. وقتی انسان با توجه به تعالیم تاسوعا و سیره صوفیانه خود را  
پذیرفت. او آرامش و بی قراری را در جامعه و دولت خواهد گرفت. قرآن کریم نیز  
به رستگاری مردمی که خود را تزکیه کردند، خبر می دهد. قرآن کریم می فرماید

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (-) وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (-) بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (-) وَ الْأَجْرَةَ  
خَيْرٌ وَ أَبْقَى (-) <sup>1</sup>

مقاصد طریقت سه چیز است:

۱: تزکیه نفس ۲: تصفیه قلب ۳: معرفت ربانی

تزکیه نفس: نفس بر خودی یا ذات انسان اطلاق میگردد. و به معنی روح، خون، هوا، خواهشات، امیال و رغبت انسان هم آمده است. نفس ظاهر کننده قوت های حیوانی وجود بوده و همچنان مظهر قوت های ملکوتی آن نیز شده میتواند. پس تزکیه نفس موضوع تصوف بوده<sup>۷</sup>

اسلام بارها چنین واقع شده که در مقابل کلتوراسلامی مقابله شدید و صورت گرفته لیکن قوت های مخالف با وجود این شداید مغلوب شده و اسلام غالب آمده است" و وجه بزرگ آن اینست که انداز فکری صوفیان کرام به معاونت فوری تحرکاتی اسلامی به مدد پرداخته و به اسلام بحدی قوت و توانائی بخشیده که هیچ طاقت در برابر آن توان مقابله پیدا کرده نتوانسته است و همچنان اعتراف یک سائنسدان عظیم و معروف عصر داکتر مارس بیوکائی قابل فراموشی نیست که در کتابمشهور خود بنام بایبل - قرآن و سائنس در قسمت تباہ کاری های تهذیب دنیای کفری و مستقبل انسانیت تنبیها متذکر شده و مینوسد که (سائنس امروز " ترقیات مادی تحت سائنس " دماغ انسانها را بسیار ناپاک ساخته که برای از بین بردن این خبث دماغی به یک قوت بزرگ روحانی ضرورت است که آنهم فقط از تعلیمات اسلامی دنیای روحانیت میسر شده میتواند زیرا روحانیت اصل اسلام بوده و تصوف روح اسلام است این یک حقیقت انکارنا پذیر است که نظام روحانی اسلامی یعنی " تصوف " مانند سائنس انسان را به مشاهدات روحانی رسانیده و به درجه عین الیقین و حق الیقین فایز میگردداند.<sup>۸</sup> و باطن مادیت زده ناپاک را از عظمت پاکیزگی بر خوردار می سازد مگر این امر بی حد قابل افسوس است که بعضی مسلمانان بر نظام تعلیمات روحانیت یعنی "تصوف پرده انداخته و این شاهکاری های قوت معنوی نظام روحانی را نادیده گرفته و اغماض مینمایند از حقیقت آشکار آن که این خود ظلم (صریح در حق این نظام است) این افراد از نظر فکری قانونیت تصوف به دو دسته تقسیم میگرددند.

از نظر صوفیان مجددی، احسان یک صورت عملی از تاسوعا است. این معیار عالی وضعیت معنوی فرد است. کسی که خود را مهر احسان داشته باشد در ایمان کامل است. سیره معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشتمل بر گفتگوی آن حضرت و سپس ژل جبرئیل، نحوه اطلاق اصطلاح احسان در آن پس از ایمان و اسلام، گواه بر صدق این ادعا است که احسان مرحله نهایی تکامل را نشان می دهد. ایمان و آرامش در جامعه. وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره احسان سؤال شد. او چنین پاسخ داد:

قال: فَأَخْبِرُنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ: أَنْ تُعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ

فإنه يَرَاكَ<sup>۹</sup>

فرمود: پس احسان را به من بگو، فرمود: خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی، تو را می بیند.

حضرت شیخ شهاب الدین سهروردی رحمه الله در مورد صوفی و تصوف اضافه از هزار تعریف بیان داشته که احاطه آن در اینجا ممکن نیست. علاوه بر آن تعداد زیادی از ائمه و مشایخ مانند حضرت معروف کرخی رحمه الله شیخ الاسلام ذکریا انصاری رحمه الله، شیخ محمد بن احمد المفری رحمه الله، شیخ ابو بکر بن اسحاق بخاری رحمه الله و امام عبد الوهاب شعرانی رحمه الله در مورد صوفی و تصوف تعاریفات کرده اند. پس بصورت مختصر میتوان گفت که تصوف نام آن طرز زندگی روحانی است که طی آن تزکیه نفس تصفیه باطن میسر گردیده و ذریعه حصول معرفت ربانی. میگردد و مفهوم دوم آن اینکه آن راه شریعت که بوسیله آن تزکیه نفس آداب و احوال صفای باطن روشن شود و سبب نور معرفت الهی گردد تصوف گفته میشود.

نیز حضرت امام ربانی شیخ سربندی قدس سره العزیز فرموده اند:

و در این طریق نقشبندیه پیری و مریدی به تعلیم و تعلم طریقه است، نه به کلاه و شجره که در اکثر طرق مشایخ رسم شده است، حتی که متاخران ایشان پیری و مریدی را منحصر به کلاه و شجره ساخته اند. و در این طریق، ریاضات و مجاہدات بانفس اماره به اتیان احکام شرعیه است والتزام متابعت سنت سنیه علی صاحبها الصلاة والسلام والتحية، زیرا که مقصود از ارسال رسل

وانزال کتب، رفع هواهای نفس اماره است که به معادات (دشمنی و ستیز) مولائی خود جل سلطانانه منتصب گشته است. پس رفع هواهای نفس، مربوط به اتیان احکام شرعیه گشت. هر قدر که در شریعت راسخ تر باشد، از هوای نفس بعید تر بود<sup>۱۰</sup> پس با در نظر داشت گذارشات فوق الذکر رابطه محکم بین، شریعت، تصوف و طریقت وجود داشته و مخالفتی بنظر نمی آید. اینکه بعضی ها الزام وارد میکنند که گویا بین شریعت، تصوف و طریقت مخالفت و تضاد وجود دارد این صرف نتیجه سطحی نگری اوشان بوده چه اگر به نظر عمیق ملاحظه شود این یک حقیقت روشن است که کمال شریعت نام تصوف و طریقت است. متابعت احکام خداوند (ج) و رسول برگزیده ﷺ وی محدود به ظواهر، شریعت نامیده میشود و اثرات این مصادر ظاهر شریعت که بالائی قلب و باطن انسان مرتب میگردد و سبب نورانیت باطن وی میشود، به فیضان تصوف تعبیر گردیده و تصوف نام نهاده میشود. از این رو خواجه خواجگان شیخ بهاؤ الدین نقشبند بخاری قدس سره فرموده اند:

طریق ما اقرب طرق است و فرموده انداز حق سبحانه و تعالی  
طریقی خواستم که البته موصل باشد و این خواست ایشان به  
اجابت مقرون گشته است چنانچه در رشحات از خواجه احرار  
رحمه الله نقل کرده است چرا که اقرب نباشد و موصل نبود که  
انتهای در ابتداء آن اندراج یافته است. خیلی به دولتی باشد که در  
این طریق داخل شود و استقامت نوزد و بی نصیب برود  
ع خورشید نه مجرم است ار کیسه بینا نیست<sup>۱۱</sup>

قرآن کریم عبادتی را که رسول الله علیه وسلم بجا می آوردند و وضاحت می بخشد خصوصاً شب زنده داری و تسبیح به حمد خداوند را یاد می کند شب زنده داری ایشان و بعضی از صحابه کرام را و دیگر انواع عبادت را که آنها اشتغال داشته چون استغفار، و ذکر بسیار، قراءت قرآن کریم بیان میدارد که خداوند سبحانه و تعالی پیغمبر خود ﷺ را امر بعبادت و تسبیح نموده تا در مواقف شدت در هنگام دعوت که با آن رو برو می شدند به عبادت و تسبیح پردازند که چنین ارشادات را در شماری از سوره های قرآن کریم مشاهده می کنیم و در سوره حجر می بینم که خداوند سبحانه می فرماید:

وَلَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴾  
﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾<sup>۱۲</sup>

خصوصیت این نفس اینست که تمایل به دنیا بیشتر داشته و به گناهان راغب-میباشد مانند، فواحش منکرات، لذات نفسانی شهوات و نانچه قرآنکریم در مورد نفس اماره که امرکننده به بدی و یفرماید: "إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ"<sup>۱۳</sup> ترجمه به تحقیق نفس بدی است صفات نفس اماره یعنی نفس امرکننده ه به لیکن تصوف نام آن طرز زندگی است که بنده غیر از خداوند جل شانہ از همه چیز روگردان بوده و رشته تعلق خود را بی لوٹ صرف با معبود و محبوب حقیقی استوار نگهدارد- این تعلق و استواری لذتروحانی و حالت انبساط را با لطف و کیفیت خاص نصیب سالک ساخته بیگانه میگرداند و صرف آشنائی آنرا با صبا حب اسرار و دل را از همه دل مرتبط دانسته حلاوت تعلق با محبوب را برای آن لذیزتر و با کیفیت تر وانمود داشته که از تمام حلاوتها و کیفیات در دنیا و ما فیها بیشتر میباشد- درین حال انسان از همه بی نیاز گردیده و این بی نیازی و قطع تعلق غیر الله و یکسوئی محبت را از غیر بصورت متداومان تصوف- مینامند درک صحیح این کیفیات، واردات قلبی و تجربیات روحانی را عملاً طی کردن تصوف- گویند: بناء تصوف سراسر عبارت از حال بوده که درک ماهیت و حقیقت آن از قال ممکن نیست طوریکه حضرت امام معروف کرخی رحمه الله فرموده: "التصوف هوا لاخذ بالحقایق و الیاس مما فی ایدی"<sup>۱۴</sup>

همچنین خداوند سبحان و تعالی به انسان قدرت و عقل و اندیشه بخشیده است که شاهراه سعادت و نیکی را طی کند و از بدی ها و بدی ها دوری کند تا با کسب قدرت های معنوی راه را بیابد- رفع سختی های زندگی مادی و معنوی و تقسیم راه، هدایت، گمراهی و تشخیص حق و باطل بر حسب خواست و نیاز هر یک و حق ترجیح یکی از این راه ها و جسمی و تحقق معنوی- نیازها امکان پذیر است<sup>۱۵</sup>

درحقیقت قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ منابع و سر چشمه کامل تعلیمات اسلامی برای جهان بشریت میباشد- که موج های حیات آفرین عرفانی و نورانی آن زندگی روحانی، اخلاقی، عملی و فکری مرد مومن را آبیاری میکند- چه بدون سیراب شدن ازین چشمه صافی فهم کامل تعلیمات اسلامی و عمل بر آن تا ممکن



است. گویا زندگی انسان را من کل الوجوه پابند و مطیع این تعلیمات گردانیدن عین حصول صراط مستقیم است. که التجاء بر استقامت درین راه مستقیم را انسان خود طوری شعوری و لا شعوری همه وقت به نذد خالق پیشکش مینماید. چنانچه در نماز مکرراً به منظور حصول راه هدایت و مستقیم دعا مطالبه کرده که دلیل ناطق برای خواست بنده میباشد. این تعلیمات نشان دهنده راه مستقیم در حقیقت مناره رشد و هدایت بوده که از آن جلوه های خیر و نیکی انعکاس میکند. و طالبان خیر از آن اکتساب نور مینمایند یا برای حصول آن نور در تلاش و سرگردانی می باشند<sup>۱۶</sup>

ابونصر السراج طوسی (۳۷۸۱۹۸۸) اشاره می کند و اعلام می کند که مراقبه نیز مکمل احسان است. به نظر او این ریشه همه خوبی هاست. تعبیر اگر او را نبینی تو را به راستی می بیند که در حدیث معروف نبوی به کار رفته است در تعریف احسان بر حال مرقبه است. مرقبه یا هوشیاری هوشیارانه را اینگونه توصیف می کند: رهایی مقام معنوی احسان. در لغت به معنای حفظ مراقبت، در انتظار مصیبت است. در آیات قرآنی به مرقبه اشاره شده است

وَ كَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا<sup>۱۷</sup>

خداوند همیشه مراقب همه چیز است

در جای دیگر قرآن می فرماید:

وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ<sup>۱۸</sup> -

و او با شماست، هر کجا که باشید

### حقیقت مراقبه:

مراقبه در هر لحظه شکلی است برای یاد الله تعالی که به واسطه آن صاحب مرقبه به پروردگارش بسیار نزدیک می شود و به مقام تهذیب نفس می رسد و این صوفیان مجددی نقش مهمی در ایجاد صلح کامل در جامعه ایفا می کنند.

احکامی در مورد مراقبه:

مُراقَبَه، بدون تردید، دانستن انسان است که خداوند از هر چه در دل او می گذرد، آگاه است و از همه ی افکار مشغولی که او را از یاد پروردگار و مولایش باز می دارد، آگاه است. همچنین می گوید که مرقبه مایه جلب رضایت خداوند و

ایجاد یک ساکن ایده آل برای مردم است. مراقبه مستلزم نظارت بر قلب انسان در هر نفس، هر عمل و رفتاری است تا رضایت خداوند را جلب کند و قلب او را به مکانی تبدیل کند که خداوند نگاه خود را در آن جهت می دهد. از سوی دیگر، این شامل این است که آنها احساس کنند که در هر فکر و عمل و رسیدن، تحت نظر خداوند هستند. درک اینکه آنها هرگز نمی توانند حوزه اختیار او را ترک کنند.

صوفیان مجددی به صورت انفرادی برای تهذیب قلب تلاش می کنند و شاگردان خود را نیز برای این عمل تربیت می کنند. زیرا قلب و ذهن منبع اصلی همه اعمال خوب و بد هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز می فرماید: قلب عضو اصلی بدن است. اگر کارش درست باشد، همه بدن درست است و اگر آشفته باشد، تمام کار بدن مختل است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ<sup>۱۹</sup>

و جنینی در بدن است که اگر خوب باشد تمام بدن خوب است و اگر خراب شود تمام بدن فاسد است یعنی قلب.

اما در اسلام و تاسوعا چنین نیست. تساهل از نظر اسلام به این معنا نیست که همه ادیان یکسان هستند و ما به برتری اسلام بر سایر ادیان و ایدئولوژی ها اعتقاد نداریم. همچنین به این معنا نیست که پیام اسلام و تاسوعا را به دیگران نرسانیم و آرزوی مسلمان شدن آنها را نداشته باشیم. مدارا در لغت به معنای تحمل کردن است و در مفهوم رایج به معنای احترام، پذیرش و قدردانی از تنوع غنی است. از فرهنگ های جهان، اشکال بیان و شیوه های انسان-واژگان دیگری نیز وجود دارند که معانی مشابهی دارند مانند حلم و عفو.

صوفیان مجددی در زندگی خود عنصر تساهل و بردباری را پذیرفتند. زیرا این امر تواضع و تواضع را در انسان ایجاد می کند و جامعه و محیط را بی لک می کند و در خود بردباری و شکیبایی نیز جهت گیری قرآن کریم است.

<sup>20</sup>أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا

یا کتمان کند یا ببخشد

و در جای دیگر چنین آمده است:

<sup>21</sup>وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا-أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ-وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و باید عفو و گذشت کنند، آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد.

این آیات قرآن به مردم، درس عبرت و پند و اندرز برای عذرخواهی از اشتباه برادر دیگر می دهد. اما در جای دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مسلمانان را به پرهیز از هرگونه خشم و عصبانیت و غضب توصیه می کند. یک بار یکی از صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها درخواست نصیحت کرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله بارها و بارها برای نفی خشم پاسخ داد. کلام حدیث چنین است:

أَنْ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ - ﷺ -: أَوْصِنِي، قَالَ لَا تَغْضَبُ فَرْدًا مِرَارًا، قَالَ لَا تَغْضَبُ<sup>۲۲</sup>  
اینکه مردی به پیامبر - صلی الله علیه و آله - گفت: مرا نصیحت کن، فرمود:  
غضب مکن -

ابوهریره ر او بارها سؤال خود را تکرار کرد، ولی (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: غضب نکنید) -

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دیگر احادیث قدرتمند است. و کشتی گیر قوی کسی است که هنگام عصبانیت خود را کنترل (قابو) کند.  
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ<sup>۲۳</sup> -

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: قوی آن کسی نیست که مجاهده کند، بلکه قوی کسی است که در هنگام عصبانیت خود را کنترل کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه کسی را در میان خود کشتی گیر می شمارید گفتیم: کسی که مردم در کشتی او را شکست ندهند. فرمود: نه اینطور نیست، بلکه او کسی است که بر خود مسلط است. وقتی عصبانی است -

از آموزه های قرآن و روایات به دست می آید که نفی غضب و تسامح از ویژگی های فردی مسلمانان است. پس صوفیان مجددی نیز این آموزه ها را پذیرفتند و شرایط و خصلت های جامعه را در پرتو این آموزه ها تغییر می دهند. شیخ علی بن عثمان هجویری ماجرای شیخ ابوطاهر حراقی را بیان می کند که در آن شیخ با سخنان بسیار توهین آمیزی از سوی فردی غیر روحانی مواجه شد، اما او آن را احساس نکرد و همچنین شاگرد خود را از هرگونه فعالیت خیابانی علیه آن مرد منع کرد. چنین بیان شده است: شیخ ابوطاهر حرقی سوار بر الاغی که یکی از شاگردانش حضور داشت از بازاری رد می شد، شخصی فریاد زد: این آزاداندیش پیر می آید. مرید خشمگین به طرف سخنان شتافت تا او را بزند. شیخ

به مرید گفت که به جای عصبانیت سکوت می کند. آنها به خانه برگشتند و شیخ صندوقی به او داد که حاوی نامه هایی بود که خطاب به شیخ با عناوین شریفی مانند شیخ اسلام شیخ پاک، شیخ زاهد خطاب شده بود. شیخ الحرمین و غیره شیخ فرمود: اینها القاب هستند، اما من هیچ کدام از اینها نیستم، اما هرکس با این اعتقاد راسخ به من لقب می دهد. اگر آن بیچاره همین الان همین کار را کرد، چرا باید با او دعوا کنید؟<sup>۲۴</sup> شیخ ابوسعید ابوالخاری گفت: مسیرها و جاده های بی شماری وجود داشت که به خدا منتهی می شد، هیچ یک سریع تر و مؤثرتر از ایجاد شادی در دل مردان با عشق، بردباری، ایمان و همدردی نبود.<sup>۲۵</sup>

همه این آیات و احادیث و سایر آموزه های صوفیان مجددی که مسلمانان مردم را مجبور نمی کنند، باید پیام صوفیان مجددی را به قاطعانه ترین و واضح ترین وجه به آنها ارائه دهند، آنها را به سوی حق دعوت کنند و در ارائه و ابلاغ آن نهایت تلاش خود را به کار گیرند. پیام الله تعالی و معارف صوفیان مجددی به بشریت برای ایجاد جامعه صلح آمیز در منطقه افغانستان<sup>۲۶</sup>.

آموزه های اسلام و تاسوعا بر برقراری مساوات، عدالت، احسان، ایثار و محبت تاکید دارند که همه اینها عناصر اساسی، ضروریات و الزامات یک جامعه آرام است. اما این ارزش های جامعه موفق بدون درجاتی از تساهل و مدارا قابل استقرار نیست، زیرا عدم تحمل در جهان امروز رو به افزایش است و باعث مرگ، نسل کشی، خشونت، آزار و اذیت مذهبی و همچنین رویارویی در سطوح مختلف می شو. گاهی نژادی و قومی است، گاهی مذهبی و عقیدتی، گاهی سیاسی و اجتماعی. در هر شرایطی این آموزه های شیطانی صوفیان مجددی است که برای ساختن یک جامعه صلح آمیز و موفق افغانستان مورد بحث قرار می گیرد.

و بی تردید بدنی که قوز دارد، اگر خوب کار کند، همه بدن سالم می شود و چون بد شد، قاطعانه تمام بدن حیا را از دست می دهد. آگاه باشید! آن (کوهان گوشت) دل است. صوفیان مجددی با توجه به فلسفه و اندیشه محوری سنت مذکور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تمام تلاش خود را می کنند تا قلب و عمل خود را پاکیزه کنند و این امر تنها توسط مرقبه ها در هیئت خود برای شاگردان خود انجام می شود. وقتی مردم عادی به این تطهیر رسیدند، یعنی کارشان خیر و صالح خواهد بود.

کار صالح و نیکوکار جامعه ای موفق و صلح آمیز ایجاد و می سازد-تاسوعا نیز در معارف خود گنجانده شده است- این روحیه ایثارکه بسیار مهم است، جامعه اسلامی باید بسته شود و تقویت شود کسی که از منابعی که در اختیار دارد برای رفع نیازهای دیگران، حتی زمانی که خود نیازمند هستند، استفاده می کند و برای خیر و صلاح دیگران فداکاری می کند اختلال و ناتوانی برای دولت و جامعه- اما صوفیان مجددی در تعالیم و اعمال خود تمام تلاش خود را می کردند تا این مشکلات اساسی مردم را حل کنند- و همچنین در دولت ها جامعه ای موفق و صلح آمیز ایجاد کردند-

برای برپایی و ساختن جامعه ای آرام و متعادل، تاسوعا نیز برای اتخاذ مدارا و صبر آموزش می دهد که مدارا، اصل اساسی اسلام و تاسوعا است- وظیفه شرعی و اخلاقی است- معنای بی اصولی یا عدم جدیت در اصول خود را ندارد، گاهی گفته می شود مردم نسبت به چیزهایی که برایشان اهمیتی ندارد مدارا می کنند- اما در اسلام و تاسوعا چنین نیست- تساهل از نظر اسلام به این معنا نیست که همه ادیان یکسان هستند و ما به برتری اسلام بر سایر ادیان و ایدئولوژی ها اعتقاد نداریم- همچنین به این معنا نیست که پیام اسلام و تاسوعا را به دیگران نرسانیم و آرزوی مسلمان شدن آنها را نداشته باشیم-

از جمله آثار حضرت مجدادی الف ثانی رحمه الله که تا امروز در هندوستان و دیگر بلاد اسلامی به چشم می خورد، مهم ترین نقش آن نامه هاست که به وسیله آن حضرت حرارت ایمان را در دلها ایجاد کرد و طبقه ثروتمند را با تجمل بیدار کرد- زبان رسمی زمان به زبان فارسی بود که روند رنسانس را در جامعه به طور عام و مسلمانان به طور خاص آغاز کرد- گفت و گوهای گزارشی یافت می شود، روش دلگرم کننده ای که حضرت در پیش گرفته مستقیماً بر دل ها می کوبد، برخی از این نامه ها نیز اقتباس کرده اند- شکل طنز برای تصحیح- در یک نامه، ایشان می نویسد:

عزیزی دید که شیطان راضی نشسته است، با تعجب از شیطان پرسید دلیل رضایت شما چیست؟ پاسخ شیطان این بود که در آن زمان علمای بدی به من کمک می کنند و مرا از کار اصلی گمراه کردن مردم غافل کرده اند-<sup>۲۷</sup> درمکتوبات امام ربانی هم که نصیحت شده است که با شهامت و شجاعت در بدترین حالات رویارویی کنید، اعتماد به نفس و تشویق به تغییر

اوضاع داده شده است، به نام خان اعظم می نویسد: امروز عصری است که یک عمل کوچک می تواند ثواب بزرگی به دنبال داشته باشد، اصحاب کهف جز هجرت عملی از خود نشان ندادند. اما خداوند بالاترین درجات را به آنها داد. پس از تسلط دشمن، اگر سربازان ارتش حتی اندکی شجاعت نشان دهند، درجه آنها بسیار بالا می رود

روش دعوت و اصلاح حضرت مجددی آل ثانی بسیار منحصر به فرد بود که تأثیرات طولانی در اوضاع سیاسی شبه قاره داشت و عموم مسلمانان نیز تأثیر عمیق آن را پذیرفتند. به ویژه اصلاحاتی در اندیشه و دیدگاه علمای عامه و صوفیان رخ داد. عکس العملی در برابر مذهب بد عصر اکبری آغاز شد که به تدریج به جنبشی قدرتمند تبدیل شد و تأثیر عمیقی بر عصر جهانگیری و عصر شاهجهانی گذاشت که در اویش در پادشاهی و ریاضت در زندگی شخصی را پذیرفتند.

دوران ولادت حضرت در قرن شانزدهم به تعبیری دوران شاهان بود، در آن زمان حضرت امام ربانی با هیچ حرکت سیاسی دموکراتیک نمی توانست کار اصلاح و تبلیغ را انجام دهد لذا از طریق نهادهای موجود این کار را انجام داد. بیعت و هدایت و تعلیم و تربیت و اصلاح و تجدید بی نظیری کرد و اگر ادعا شود مبالغه نیست که شبه قاره را از تبدیل شدن به کشوری غیر مسلمان به تدبیر خداوند حفظ کرد.

علامه اقبال لاهوری در مورد حضرت چه حقیقتی گفته است:

گردن نه جهکی جس کی جهانگیر کے آگے کہ گردنش جلوی جهانگیر خم نشد  
جس کے نفس گرم سے بے گرمی احرار کہ حرارتش از گرمای روحش است  
وہ ہند میں سرمایہ ملت کا نگہبان او نگہبان پایتخت کشور در ہند است  
اللہ نے بروقت کیا جس کو خبردار<sup>۲۸</sup> خداوند آن را به موقع به هر کسی کہ  
ہشدار داد انجام داد

1Selcuk Eraydin, Tasavvuf ve Tarekatlar, Marmara Universitesi ilahiyat vakfi Tayinlan, Istanbul, 1997, P.149

۲ سرہندی، شیخ احمد، مکتوبات امام ربانی، پشاور: مکتبہ سعیدیہ، سن، دفتر اول، مکتوب: ۳۷-  
۳ عشرتی، عبد الاحد، تصوف یا وادی گمشدگان، کابل: موسسہ انتشارات الازھر، ۱۳۸۹ شمسی ہجری، ص: ۱۳۶-

137

4Abu Hamid, Al-Ghazali, Ihya Uloom al-Din, Dar al-kutub al-  
'ilmiyya, 2001, berut, P.249

5Muhammad Tahir, Sufism, Evolution and practice, Anmoal  
Publications PVT, New Delhi, 1997, P.75

6Al. A'la 87:14-17

۷ سرہندی، خواجہ محمد معصوم، مکتوبات معصومیہ، کابل: خانقاہ مجددیہ ہاشمیہ بہادر، سن، (مقدمہ: شیخ فضل اللہ  
مجددی)، ص: ۵۰-

۸ عشرتی، عبد الاحد، تصوف یا وادی گمشدگان، کابل: موسسہ انتشارات الازھر، ۱۳۸۹ شمسی ہجری، ص: ۱۴۵-  
9Sahih,Muslim,Hadith no:90

۱۰ سرہندی، شیخ احمد، مکتوبات امام ربانی، دفتر اول، مکتوب: ۲۲۱-

۱۱ سرہندی، شیخ احمد، مکتوبات امام ربانی، دفتر اول، حصہ چہارم، مکتوب: ۲۲۱، ص: ۲۵۸-

12Surah Al Hijr, Ayat: 97-99

13Surah Yusuf Ayat:53

۱۴ ہجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، قلمی نسخہ، سن، م، ن، ص: ۵۲-

15Ismail, Anqarawi, Minhaj Al-Fuqara, ed. Saadettin Ekici Insan  
Yayinlan, Istanbul, 1997,Vol: ii, P.255

۱۶ عشرتی، عبد الاحد، تصوف یا وادی گمشدگان، کابل: موسسہ انتشارات الازھر، ۱۳۸۹ شمسی ہجری، ص: ۱۴۵-

17Al-Ahzab 33:52

18Al-Hadeed 57:4

19Bukhari,Imam,Sahih Bukhari, Book, Kitab ul Eman, Hadith  
no:52

20Surah An Nisa Ayat 149

21 Surah An Nur Ayat 22

22 Bukhari, Muhammad bin ism'il, Al-Sahi, Al Maktab Al-Islamiyya, Istanbul, 1992, book no 78, Hadith 143

23 Sahih, Muslim, Hadith no: 6643

24 Fazal ul Allah, Haaji Mohammad, umdah al Muqamat, hyderabad : khaqah tando saaien daad, seen noon, s : 465-455

25 Baig, Hassan. "Religious and Political Role of the Khaqah Shur Bazar Kabul in Afghanistan: an analytical study." *zia e tahqeeq* 10, no. 20 (2020) :P: 65

26 Baig, Hassan. "Religious and Political Role of the Khaqah Shur Bazar Kabul in Afghanistan: an analytical study." *zia e tahqeeq* 10, no. 20 (2020) :P: 65

۲۷ سرہندی، شیخ احمد، مکتوبات امام ربانی، دفتر دوم، مکتوب، ۲۳۷

۲۸ اقبال، علامہ، کلیات اقبال، بال جبریل، پنجاب کے پیرزادوں سے